

تغییرات کابینه، سفرهای استانی، سیاست خارجی و معشای

بانجمن‌هایی از: حسن قنبلغوی، رضا طالابی‌نیک، لطف‌الله فر و زنده
علی اصغر زارعی، موسی فریانی، حمیدرضا رسایی، محمدجواد حق‌شمان
سید جلال فیاضی و محمدرضا خفاز

مفتخراً مقبری، تعلیمی

سال دوم ■ شماره ۵۷ ■ شنبه ۶ شهریورماه ۱۳۸۹ ■ ۸۲ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

با آثار و گفتارهایی از:
حسن مینائی‌تبار
حمیدیار سائنا
کلغی بابایی
حسین سوژگی
نعیم قاسم
علیرضا مختارپور
رضا مقدسی
ابراهیم فیاض
سید محمد روحانی
احمد رهدار
صالح زین‌الکلام
محمدنور حدیدی
محمدجواد لاهی
محمدجواد صافیان
جلیل دانا
و مصطفی قائمی

مردی از جنس جهاد

برونده‌ای درباره زندگی
آراء و اندیشه‌های علامه فضل‌الله

میزگردی با حضور:
حسام‌الدین آشنا، محمد مهدی شریعتی‌دار
و محمدرضا زکری

و یادداشت‌هایی از:
مهدی فیروزان، قدرت‌الله علیرزاه
محمدرضا محمدی‌نجات و یحیی میرزایی

از آسمان به زمین

استپ‌شناسی و کثرت **ملوکه استانی** در ایران

با گفتارهایی از سید سعیدرضا عاملی
مرتضی جمشیدی‌هاو سیدسلیمان صفوی

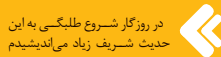


ویژه نامه

- از نجف تا بیروت
- فقیه زمانه
- متفکر تقرب
- روزگار فضل الله

به نام پدر

مهدی خداجویان



در روزگار شروع طلیعی به این حدیث شریف زیاد می‌اندیشیدم که «ادامات العالم تلم فی الاسلام تلمه لا یسدها شیء». ایجاد شکاف در اسلام با درگذشت علما برایم تبدیل به معما شده بود. به خود می‌گفتم مگر ممکن است با وجود عالمان دیگر، چنین ضربه‌ای به اسلام وارد شود؟ برایم سستوال بود که چرا در حدیث شریف به جبران‌ناپذیری این ضربه تأکید شده است؟ وقتی بدنه حوزه‌های علمیه را می‌دیدم و اشتیاق جوانان برای ورود به ساحت طلیعی را مشاهده می‌کردم، وقتی حضور علمای بزرگوار را در عرصه‌های گوناگون علمی می‌دیدم، این معما برایم پیچیده‌تر می‌شد. مگر می‌شود با وجود چنین بزرگانی که همیشه تاریخ اسلام در صحنه علم و عمل بوده و هستند، چنین شکافی به وجود آید؟ با وجود این بزرگواران، حتما هر لطمه‌ای جبران خواهد شد و هر روز بیش از قبل شاهد نشر، ترویج و تبلیغ دین خواهیم بود. معمای من تا مدت‌ها همراه بود. این معما در حافظه جایی مرموز جا خوش کرده بود و نه یادش بودم و نه به‌ندلیل پاسخ خاصی برایش می‌گشتم. فقط بود تا روز تشییع جنازه استاد، اینا. مجتهدی تهرانی رحمتا. علیه که تاگهان معمایم در میان همه تشییع و سوز و گداز، خوندنمایی کرد و آن‌جا بود که فهمیدم «هنگامی که عالمی فوت کند، شکافی در اسلام به وجود می‌آید که هیچ چیز نمی‌تواند آن را پر کند».

پرداختن به ابعاد شخصیتی علامه سیدمحمدحسین فضل‌ا. و آشنایی هرچه بیشتر با عالم عامل جبل عامل، مرا دچار بهت و حیرتی می‌کند شبیه به همه‌مه و سوز و گداز تشییع بیکر مطهر استاد.

وقتی از بزرگ‌مرد زمان شناس و جامعه‌شناسی سخن به میان می‌آید که با تسلط بر فقه و کلام و فلسفه و دیگر علوم اسلامی، به جهاد و اجتهاد می‌پردازد، وقتی در هیاهوی روزگار آخرالزمانی پنجره‌های ما صفا برایت گشوده می‌شود و چشمه‌های زلال از مفاهیم ولای اسلامی را در سینه پدر پر مقاومت می‌بینی، آن‌گاه است که ندیدن و نبودنش آزارت می‌دهد؛ آن‌گاه است که حسس می‌کنی جای خالی او را هیچ چیز نمی‌تواند پر کند. این‌جاست که معنای حدیث شریف را می‌فهمی.

مرحوم علامه برای مردم لبنان، تأکید می‌کنم برای مردم لبنان و نه تنها شیعیان و مسلمانان، و البته برای مقاومت اسلامی، پدری کرد. پدری که داغ از دست‌دانش التیام نخواهد یافت که این داغ، منابعی نیست که بتوان جایگزینی برایش یافت.



نوازش‌های دستان گرم پدری مهربان و دلسوز را بگیرد؟

فرزندان مرحوم علامه، هیچ‌گاه درد و داغ فقدان پدر را فراموش نخواهند کرد. ما نیز خود را فرزندان پدری می‌دانیم که جهان تشییع برایش در مسجدالحسین علیه‌السلام خلاصه نمی‌شد. پدری که دنیا را لایق مهربانی، و مهرورزی را راه و رسم اسلام‌خواهی می‌دانست. روح پدرم شاد که می‌گفت به استاد فرزند مرا هیچ نیاموز به جز عشق

مرحوم علامه با حمایت از حرکت دلآوران مقاومت اسلامی در کنار حضور جدی و پرنسب در فعالیت‌های خیرخواهانه و انسان دوستانه، نمایی زیبا از اسلام و تشییع نشان داد. تأثیرگذاری حمایت علامه فضل‌ا. در کنار موفقیت‌ها و پیروزی‌های حزب‌ا، جایگاه و رزمندگان مقاومت اسلامی و شبردلان حزب‌ا. لبنان را در میان مردم از سطح گروه و فرقه‌ای مبارزه، به حزبی مطرح و تأثیرگذار در روابط و سیاست‌های لبنان و حتی منطقه تبدیل کرد.



۱۳۱۳:
فضل- در نجف اشرف در خانواده روحانی دیده به جهان گشود. وی تحت نظارت پدرش سید عبدالرئوف قزل- از مراجع مذهبی شیعه - مراحل تعلیم و تربیت را به شیوه‌ای که در آن زمان مرسوم بود گذراند. در دوره کودکی وارد مکتب خانه شد تا خواندن و نوشتن و قرآن را بیاموزد، اما فضای خشن مکتب خانه که تحت اداره افراد کهنسال بود به مزاجش سازگار نیامد. بلافاصله وارد مدرسه‌ای شد که مرکزی با نام (مندی‌النشر) به سبک جدید تأسیس کرده بود. او که از کلاس سوم وارد این دبستان شده بود، زمانی که کلاس چهارم را می‌گذراند، دبستان را هم ترک کرد.

۱۳۲۲:
در سن نه سالگی تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در این زمان به اندیشه‌ها و دغدغه‌های فضای پیرامون خود توجه داشت و اخبار ملاقات مصر و لبنان و عراق را با پیگیری می‌کرد و همین امر باعث شکیفایی ذوق ادبی و نویسندگی او شد. سیدمحمدحسین دروس مرسوم حوزوی نظیر صرف و نحو و معانی و بیان و همچنین منطق و اصول فقه را نزد پدر خود فرا گرفت و در این مرحله استاد دیگری نداشت.

همچنین جلد دوم کتاب کفایه الاصول را نزد استادی ایرانی با نام شیخ مجتبی لنگرانی آموخت و پس از آن به محضر استادی چون سید ابوالقاسم خوبی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی راه یافت. همچنین در کنار دروس خارج اصول فقه و فقه، بخشی از کتاب‌های استفسار الاریع، معروف به حکمت متعالیه ملا صداری شیرازی را نزد ملاصدار با کویه‌ای فرا گرفت.



۱۳۳۰:
فضل- در این سال برای نخستین بار، به قصد دیدار خانواده‌ی، به لبنان رفت و در این سفر که هم زمان با ارتعاب درگذشت سیدمحسن امین‌عالمی بود قضیه‌ای در زنی او سرور و در این یادبود او فرات کرد. وی در این قضیه بسیاری از مسایل سیاسی روز و از جمله مسئله وحدت و پیداری اسلامی و مهاجرت جوانان را مطرح و استعمار فرانسه را تنبیه کرد. روزنامه‌های آن روز لبنان این قضیه را تحریک‌کننده و احساس‌برانگیز توصیف کردند.

از نجف تا بیروت

سال شمار زندگی سیدمحمدحسین فضل‌الله



۱۳۳۹:
«جامعه‌العلماء»ی نجف، مجله‌ای فرهنگی - اسلامی را راه‌اندازی کردند که سیدمحمدحسین فضل- در کنار سیدمحمدباقر صدر و شیخ محمدمهدی شمس‌الدین از مدیران آن بودند و ایشان سرمقاله‌های سال دوم این مجله را با عنوان «کلمتنا» «سخن ما» به رشته تحریر درمی‌آورد. وی در این دوران در تشکیل نخستین جنبش اسلامی شیعی در عراق، با نام «حزب الدعوة»، در کنار سیدمحمدباقر صدر شرکت داشت. فضل- کتاب‌های «فتاویا علی ضوء الاسلام» و «نیز» «اسلوب الدعوة فی القرآن» را در این دوره نگاشت.



۱۳۴۵:
جمعی از مؤسسان انجمن مذهبی «اسره التاخی» متعلقه نبعه از فضل- دعوت کردند تا در آن منطقه رحل اقامت افکند. وی این دعوت را پذیرفت و در همین سال به قصد اقامت دائم به وطن اصلی خویش بازگشت و فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای را آغاز کرد که از آن جمله می‌توان به تأسیس حوزته‌ی ویژه زنان در صور، «حوزه المرتضی» در دمشق و نیز «حوزه المعهد الشرعی الاسلامی» در بیروت اشاره کرد که اغلب شخصیت‌های جنبش مقاومت اسلامی لبنان در آن تربیت شدند. همچنین وی برای تأسیس تشکیلی شیعی در لبنان، تلاش‌هایی کرد که حزب- امروزه سازمان یافته‌ترین این تشکیلات است و به همین دلیل رساله‌های جهانی از فضل- با نام «رهبر معنوی حزب-» نام می‌برند، با این حال وی همواره انتساب تشکیلاتی به گروه‌های سیاسی را رد می‌کرد.

۱۳۶۱:
در این سال فضل- توسط نیروهای کتاب بوده شده دلیل این ریاضت حضور سیدمحمدحسین فضل- در ایران به مناسبت جشن‌های پیروزی انقلاب ایران بود؛ در این ایام، وی به همسراه جمعی از علمای شیعه و سنی بیابانه‌ای صادر کرده و اشغالگری اسرائیل را محکوم کردند. نیروهای اسرائیلی پس از یافتن این بیابانه فضل- و همراهانش را دستگیر می‌کنند، اما شرایط ناساعده‌ی پس از دستگیری وی بر فضای شهر حاکم شد. نیروهای اسرائیلی را ناچار به آزادسازی ایشان کرد.

۱۳۶۲:
از سال ۱۳۶۲ انجمن‌های خیره نظیر «جمعه‌الخیریه» که تحت اشراف سیدمحمدحسین فضل- بود با کمک کشورهای عربی خلیج فارس و لبنان اقدام به تأسیس مراکز و مؤسسات عظیم و پیشرفته برای تربیت تربیان و فرزندان شهنا و نیز تأسیس بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مساجد کرد. از این مراکز می‌توان به «میره الامام الخویی»، «میره الامام زین العابدین (علیه‌السلام)»، «میره الامام علی‌بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)» و اشاره کرد. همچنین ایشان مراکز خیریه‌ای برای لبنانیان و ناهستوایان احداث کردند. از دیگر اجتماعی‌اش ایشان تأسیس مستشفی بهمن در بیروت و مستشفی السیده زهرا (علیها السلام) در جبل‌علی بود.

۱۳۶۳:
فضل- در سال ۱۳۶۳ از یک توطئه تروریستی جان سالم به در برد. این توطئه سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) قصد داشت تا با بمب‌گذاری در یک خودروی پارک شده در مسیر تردد وی، ایشان را به شهادت برساند. این سوءقصد دهها گشته و زخمی کرد. در جای گناشت، گفتنی است این آخرین تلاش برای ا میان برداشتن این شخصیت ارزشمند، نبود چنان‌که وی چهار بار دیگر نیز مورد سوءقصد واقع شد.

۱۳۶۴:
فضل- از سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، به انحاء مختلف از این انقلاب که به رهبری امام خمینی محقق شده بود، حمایت کرد. وی در سال ۶۳ از سوی امام خمینی رحمتا- علیه لقب «ایشان» گرفت. ایشان همچنین در این دوران نوشته‌های متعدد و فراوانی در رابطه با اسلام، تشیع و نیز انقلاب اسلامی ایران به رشته تحریر درآوردند.



۱۳۶۵:
در این سال علامه سید محمدحسین فضل- طی نوشته‌ای در باب اسلام با نام «الاسلام و منطق القوه»، مواضعی را بیان کرده است که در همان سال منتشر شده. این نوشته برای نخستین بار اصطلاح «حزب-» را به کار برده است. در همین سال فضل- طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه «الشریعه» عدم مواظبت خود با مسئولین ایرانی را بر سر زمان تأسیس حکومت اسلامی در لبنان اعلام کرد؛ چراکه شرایط عینی برای تحقق بلافاصله این هدف در لبنان مهیا نبود. عده‌ای همین مهم را دلیل فاصله افتادن میان فضل- و حزب- لبنان می‌دانند.

۱۳۶۸:
فضل- در این سال‌ها به نگارش کتب متعددی پرداخت که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «قضایا و مفاهیم و افکار اسلامی» رساله توجیهیه‌ی المی مؤتمر الجماعه الاسلامیه فی آمریکا و کتا- و نیز کتاب «قضایا و مفاهیم اسلامی» رساله توجیهیه‌ی مع الامام زین العابدین علیه‌السلام فی استقبال شهر رمضان و وداع».

۱۳۶۹:
فضل- دست از نشر عقاید خود برنداشت و نگارش کتاب‌های خود در سال‌های بعد نیز ادامه داد. کتب «الامام الخمینی: خط عرفانی فی دائره الفقه، وقفه فی حرکه الثورة و ثوره الاسلامیه فی حجم العالم»، «قضایا و مفاهیم و افکار اسلامی» و «ولاده محمد علی- علیه و آله و سلم و ولاده امه شاهده و رساله وادع» و «قضایا و مفاهیم و افکار اسلامی: حول القیاده الاسلامیه» از جمله این کتاب‌ها هستند.



۱۳۷۰:
در این سال سید عباس موسوی، دبیرکل حزب- لبنان به شهادت رسید. اینتا- محمد حسین فضل- در مراسم تشییع پیکر وی حضور پیدا کرد و طی بیانیاتی از زندگی و سیره شهید موسوی سخن گفت؛ در این سخنرانی فضل- سیدعباس موسوی را بذریع انقلاب اسلامی و رهبر آن امام خمینی رحمتا- علیه و نیز جنبش اسلامی معرفی کرد و او را فردی فرامرز معرفی کرد که روحیه امید و تلاش او را باید نتیجه تربیت اسلامی وی دانست. فضل- نگارش کتاب‌های خود را در این دوران نیز ادامه داد که «لوحه الاسلامیه فی خط‌نامه اهل‌بیت علیهم‌السلام» یکی از کتاب‌هایی است که در این سال به رشته تحریر درآمده است.



۱۳۷۲:
کتب «أملاّت فی حرکه ذکری علشوراه»، «لوحه الاسلامیه بین الواقع والمثال»، «فخه من ذکری الزهرا علیه‌السلام»، «الثوره الاسلامیه دروس و عبر» و «أملاّت فی المنهج الجتهادی للامام الخمینی» از دیگر کتاب‌های سیدمحمدحسین فضل- است که او آنها را طی سال ۱۳۷۲، در رابطه با موضوعات مختلف دینی و سیاسی نگاشته است.

۱۳۷۳:
فضل- در این سال به نگارش عقاید خود ادامه داد و در زمینه سیاسی همچنان به اندیشه‌های امام خمینی رحمتا- علیه و انقلاب اسلامی پایبند ماند. این انقلابها تا جایی ادامه پیدا کرد که در سال ۱۹۹۵ میلادی و در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، رهبر جمهوری اسبق آمریکا، نام وی «فتاویا علی ضوء الاسلام»، و چندین جلد کتاب دیگر از کتاب‌هایی به‌شمار می‌رود که با موضوعیت اندیشه اسلامی نگاشته شده است.

۱۳۸۰:
سیدمحمدحسین فضل- در این سال طی پیامی انتخاب مجدد سیدمحمد خامنه‌ای را بعنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران، به وی تبریک گفت.



۱۳۸۷:
فضل- در این دوران طی مصاحبه‌ای که با نشریه «وال استریت ژورنال» داشت اعلام کرده است که ولایت فقیه را بعنوان یک رژیم اسلامی قطعی نمی‌بیند؛ به همین دلیل و نیز به‌دلیل حضور گسترده مسیحیت و اهل تسنن در کشور لبنان موافق تشکیل دولت واحد اسلامی به شیوه ولایت فقیه در این کشور نیست.



۱۳۸۹:
این مرجع عالی قدر شیعیان لبنان در ۷۴ سالگی به علت خونریزی داخلی در بیمارستان شهر بیروت، در فانی را وداع گفت. لازم به ذکر است فضای مسموم علیه ایشان حتی پس از رحلت وی ادامه یافت و ترور شخصیت این بزرگوار به انحاء مختلف ادامه داد.



«این عالم بزرگوار و سخت کوش، در عرصه دین و سیاست، شخصیتی اثرگذار بود.» این جمله بخشی از پیام تسلیت مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت علامه محمدحسین فضل‌آبادی بود. هرچه کردیم، نتوانستیم خود را متقاعد کنیم که چرا باید عالمی بزرگوار و تأثیرگذار در سطح بین‌المللی و در میان شیعیان ایران کمتر شناخته شده باشد. علامه مردم، ایشان را عالمی سرشناس در جامعه لبنان و حامی حزب... لبنان و انقلاب اسلامی ایران می‌دانند و بس. حتی موضع گیری‌های موافقان و مخالفان ایشان نیز در جامعه ایرانی بازتاب چندانی نداشته است. دکتر حسام‌الدین آشنا عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام است او علاوه بر آشنایی با نظرات علامه فضل‌آبادی، یکی از هفت دانشجوئی دکتري است که قفه فرهنگ و ارتباطات را در محضر ایشان گذرانده. دکتر محمد رضا ژاژي دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه است و برای تحصیل خود چند سالی می‌شود که در لبنان سکنی گزیده و ارتباط خوبی با بزرگان دینی و چهره‌های سرشناس این کشور دارد. محمدحسین فضل‌آبادی که سال‌هاست با مسائل خاورمیانه و لبنان آشنایی دارد، از ارتباط نزدیک و دوطرفه‌ای با علامه فضل‌آبادی داشته است. باری، این سه تن، دعوت جمله را پذیرفتند و قبول کردند در میزگردی به جواب این سؤال بپردازند که علامه فضل‌آبادی کیست و چرا در جامعه ایرانی کمتر شناخته شده است؟

میزگردی در باب آراء و اندیشه علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله

فقیه زمانه

با حضور حسام‌الدین آشنا
محمد رضا ژاژي و محمد مهدی شریعتمدار

شریعتمدار: می‌شود گفت که شخصیت آقای فضل‌آبادی از انقلاب اسلامی ایران به فضای عمومی اسلامی لبنان منحصراً بوده است. مهمترین کتاب‌های ایشان در سال ۱۹۷۸ یعنی حدود یکسال، یکسال و نیم قبل از انقلاب به انتشار رسیدند و با همان کتاب‌ها هم در فضای خارج از لبنان مطرح شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایشان وارد مباحث سیاسی شد و به‌طور جدی در نمازهای جمعه و سخنرانی‌های مختلف با انقلاب اسلامی همراهی کرد. حتی در بعضی از رویدادهای انقلاب نیز مانند اجلاس‌ها و همایش‌ها حضور پیدا می‌کرد.

در همین زمان و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب، امام موسی صدر ناپدید شد و بعد از انفجار هم در فروردین سال ۱۳۵۹ سیدمحمدباقر صدر در عراق به شهادت رسید. جریان حزب دعوت اسلامی که در آن زمان و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب، امام موسی صدر ناپدید شد و بعد از انفجار هم در فروردین سال ۱۳۵۹ سیدمحمدباقر صدر در عراق به شهادت رسید. جریان حزب دعوت اسلامی که در

منطقه در چند کشور حضور داشت، کم‌کم ناچار شد به سمت ایشان گرایش یافته و او را به عنوان فقیه حزب انتخاب کند. بعدها مسائل مربوط به لبنان، لشکر خاک لبنان توسط رژیم صهیونیستی و ظهور مقاومت اسلامی، قضایی ایجاد کرد تا ایشان ظهور بیشتری به‌خصوص در سطح رسانه‌ها پیدا کند. شاید آشنایی نخبگان ایرانی اعم از حزب، روزیان، فعالان رسانه‌ها، سیاستمدان و دانشجویان، بیشتر به دلیل همین بروز و ظهور آقای فضل‌آبادی در عرصه سیاست لبنان است. تا پیش از آن، زیاد به فعالیت سیاسی نمی‌پرداخت، هرچند در دوره‌ای که در نجف اشرف بود، وارد تشکیلات حزب دعوت اسلامی شده بود. تا اواخر دهه ۷۰ میلادی بیشتر در زمینه سخنرانی، جلسات تفسیر و سخنرانی‌های جمعه، دعای کمیل یا برخی از مؤسسات حوزوی و اجتماعی و فرهنگی همکاری داشت. دکتر تشکیلی که می‌توان یاد کرد که با هدایت و سرپرستی و جهت‌دهی ایشان در لبنان فعال بوده، اتحادیه اسلامی دانشجویان لبنان است که این تشکل هم در واقع شاخه دانشجویی حزب الدعوة در لبنان تلقی می‌شود. البته بسیاری از کسانی که بعدها در صفوف مقاومت اسلامی و در عرصه‌های سیاسی لبنان بروز و ظهور پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و



نداشتیم و از طرف دیگر، نظام رسمی هم گاه و بی‌گاه با بی‌مهری با او برخورد می‌کرد، طبعی بود که ایشان خیلی بروز و ظهوری در جامعه ما نداشته باشد. اما آن چیزی که قابل توجه است این‌که تا اعلام رسمی که بعد از صدور بیانیه سرگنده برای مستضعفین جهان بود، یعنی حدود آسال بعد از تأسیس رسمی حزب، آقای فضل‌آبادی به‌عنوان پدر معنوی حزب، شناخته می‌شد. به‌خصوص در مطبوعات و رسانه‌های غربی از ایشان به‌عنوان چهره شاخص و پدر مقاومت یاد می‌شد و حتی بعد از آن هم گاهی ادامه داشت. هرچند که در جایی خود آقای فضل‌آبادی این نکته را نفی کرده ولی هیچ‌گاه به‌صورت علنی این موضوع تکذیب نشده است.

مجموعه‌ای از حوادث که در سال‌های پایانی دهه ۷۰ میلادی در منطقه و در ایران اتفاق افتاد، به‌خصوص پیروزی انقلاب اسلامی در ایران باعث شد که ایشان در عرصه سیاسی حضور بیشتری داشته باشند. بعدها تمایل ایشان برای ظهور در سطح رسانه‌ها نیز مزید بر علت شد و وی را به چهره‌های مطرح در سطح جهان اسلام تبدیل کرد.

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و

از مراجع و علما کشیده شد. البته قطعاً جریان‌های پشت سر این قضیه بود. فضل‌آبادی به هر حال این بحث‌ها بیشتر بعد از اعلام مرجعیت ایشان مطرح شد. این اعلام در عرض کتبم که در یک مقطع زمانی از شهادت رحلت بسیاری از مراجع بزرگ شیعه و به میدان آمدن نسل جدیدی از مراجع بودیم. مراجع می‌آیند. مرحوم امام خمینی، آیت‌آبادی، خویی، آراکی، آیت‌آبادی، گلپایگانی و آیت‌آبادی سید ابوالاعلی سبزواری در نجف که فوت‌شان در یک فاصله زمانی باعث شد، نسل جدیدی از مراجع ظهور کنند. در همین فاصله هم مرجعیت آقای فضل‌آبادی مطرح شد. البته قبل از آن، بحث مرجعیت ایشان نیز قشر خاصی مطرح بود.

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی، می‌شود گفت که شخصیت ایشان را در عرصه سیاسی حضور بیشتری داشته باشند. بعدها تمایل ایشان برای ظهور در سطح رسانه‌ها نیز مزید بر علت شد و وی را به چهره‌های مطرح در سطح جهان اسلام تبدیل کرد.

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و

از مراجع و علما کشیده شد. البته قطعاً جریان‌های پشت سر این قضیه بود. فضل‌آبادی به هر حال این بحث‌ها بیشتر بعد از اعلام مرجعیت ایشان مطرح شد. این اعلام در عرض کتبم که در یک مقطع زمانی از شهادت رحلت بسیاری از مراجع بزرگ شیعه و به میدان آمدن نسل جدیدی از مراجع بودیم. مراجع می‌آیند. مرحوم امام خمینی، آیت‌آبادی، خویی، آراکی، آیت‌آبادی، گلپایگانی و آیت‌آبادی سید ابوالاعلی سبزواری در نجف که فوت‌شان در یک فاصله زمانی باعث شد، نسل جدیدی از مراجع ظهور کنند. در همین فاصله هم مرجعیت آقای فضل‌آبادی مطرح شد. البته قبل از آن، بحث مرجعیت ایشان نیز قشر خاصی مطرح بود.

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی، می‌شود گفت که شخصیت ایشان را در عرصه سیاسی حضور بیشتری داشته باشند. بعدها تمایل ایشان برای ظهور در سطح رسانه‌ها نیز مزید بر علت شد و وی را به چهره‌های مطرح در سطح جهان اسلام تبدیل کرد.

آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و



آشنا: در مورد مرحوم علامه سید محمدحسین فضل‌آبادی مسئله سیاست‌های رسانه‌ای و سیاست‌های بانمایی ایشان در کشور ما قابل توجه است. این سیاست‌ها تسوأم با قزاق و فرودهای بوده است. در دوره‌ای، نظام رسمی اطلاع‌رسانی از ایشان به نیکی یاد می‌کرد که بازتاب خوبی هم داشته است. چنان‌که در همایش‌ها و مراسم مربوط به انقلاب اسلامی و بزرگداشت‌ها نیز فعالانه شرکت داشت. در دوره‌ای آقای فضل‌آبادی، مورد بی‌مهری قرار گرفت و چالش‌هایی که در اطراف ایشان ایجاد شد موجب شد که با احتیاط با شخص وی و مواضعش برخورد شود. لذا از یک طرف، حلقه‌ای از شاگردان و نظامی غیررسمی پیدا کردند، تربیت‌یافته مکتب و منبر و

زائری؛ بخشی از این حرف‌ها می‌تواند در مورد دیگران هم صدق کند. مثلا این که ایشان حاشیه عروه ندارد، شاید بتوان گفت مراجع دیگری هم هستند که حاشیه بر عروه ندارند همین‌طور بحث‌های دیگر.

شیخ‌رستمندار: بله این نکته درست است. البته زمانی که مرجعیت ایشان مطرح شد، تقریبا افراد صاحب‌نام و مراجع و بزرگان حوزه، مرجعیتی وی را تأیید نکردند این‌ها مسائلی است که در مورد آقای فضل... مطرح می‌شود.

چون بعضی از چیزهایی که در مورد آقای فضل... نقل می‌شوند، اساسا صحت ندارند. به هر حال، وقتی که فضا به‌وجود می‌آید، خیلی چیزها هم گفته می‌شود که عاری از صحت است. فرض بر این که همه این بحث‌ها هم شده باشند؛ یا در مصادیق خاصی مانند احرار باب و امثال آن، خیلی از فقها و بزرگان شیعه در بحث تاریخی، نظرات خیلی جدی‌تری هم داشته‌اند. بحث این است که نوع واکنش باید چطور باشد؟ آیا ما به‌عنوان حوزه علمیه، به‌عنوان طلاب و روحانیت چقدر باید سعه صدر و ظرفیت

شیخ‌رستمندار: شما به مسائل فکری، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی پرداختید. می‌خواهم فراتر از آن را بگویم. حتی در حوزه فقهی هم به ایشان حفا شده است. فرغ از این‌که ایشان صلاحیت مرجعیت را دارند یا نه، بسیاری از فتاوی‌ای که ایشان داده فتاوی‌ای است که ممکن است دیگران هم داشته، اما شجاعت اظهارشان را نداشته باشند. یا کامل احترام نسبت به همه مراجع و علما، شما شاهد این هستید که بعضا در کتب میثاتی استدلالی که متعرض یک موضوع می‌شوند، فتوا و نظرشان را یک‌جور



دکتر حسام‌الدین آشنا

همه این مسائل باعث شد که متأسفانه جریان‌ی برای تحطنه و جمع‌آوری نظرات و فتاوا علیه ایشان راه افتاد. همین جریان باعث ایجاد جو بسیار سنگینی شد که منجر شد به این که آقای فضل... در ۲۰ سال گذشته هرگز نتواند به ایران بیاید. اما این‌که حتی عضو شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی و عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام بود و علی‌القاعده باید در جلسات شورا حضور پیدا می‌کرد ولی نماینده می‌فرستاد. حتی یکبار برای همایش بزرگداشت مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی در قم قرار بود دعوت شود. اما تهدید به تعطیلی حوزه از ناحیه روحانیون و طلاب مخالف ایشان در قم، منجر به بازسگیری دعوت از ایشان شد. همین مسئله باعث شد که ایشان در سال‌های اخیر همیشه از هر فرصتی برای اظهار ناراحتی و دل‌نگاری و عتاب نسبت به روحانیونی که این جریان را به راه انداختند، استفاده کند.

زائری: یک نکته را باید عرض کنم، احساس من این است که علی‌رغم همه این فشارها، ایشان خیلی مراعات می‌کرد که چیزی ننویسد، من به‌خاطر دارم که یکی دو مرتبه حتی بحث را پیش کشیدم و انتظار داشتم خیلی واکنش منفی نشان بدهد؛ اما جز این تعبیر و این مضمون که این‌ها سوءتفاهم است و امیدوارم بطرف شود و آرزوی این که یک روش‌بینی وجود داشته باشد، سخنی نگفتم.

نکته دوم این‌که ما بدتر از این نقل قول‌ها را در تاریخ شیعه از علمای بزرگ داشتیم. مثلا از شیخ طوسی و شیخ مفید بزرگید تا امروز، بسیاری از فحول و علمای بزرگ ما که در واقع ارکان و مبادی فقه و شیعه‌اند، آن قلعه‌هایی در بحث‌هایی داشته‌اند که ممکن است خیلی جدی تر از این‌ها دو بخندند که گاهی از یکدیگر متمایز نمی‌شوند.



در رساله‌های علمیه به شکل دیگری مطرح می‌کنند. آقای فضل... این جرئت را به خود داد که مثلا در حوزه طهارت اهل کتاب، رسما و علنا حکم به طهارت دهد. ایشان تقلید غیر اعلم را جایز می‌داند. البته بعضی مخالفین‌شان بیان می‌کنند، چون آقای فضل... اعلم نبود، این فتوا را داده است. بنابراین حتی در حوزه بعضی فتاوی فقهی او هم به وی حفا شد، ولو این‌که ما ایشان را در حد مرجعیت ندانیم.

زائری: خوب ارتباطی که آقای فضل... با مردم داشت، شاید هیچ مرجعی چنین سطحی از ارتباط یعنی ارتباط مستقیم با مخاطب را نداشته باشد. نکته‌ای که باید اضافه کنم این است که بسیاری از آرای گروه‌های از آخرین دیدگاه‌های آقای فضل... استفتائات ایشان و موضوعات مختلف که فقط هم فقهی نبود، منتشر می‌شد. من هر وقت شماره جدید این جزوه‌ها

دومین وظیفه که ایشان به‌عنوان یک رهبر دینی انجام می‌دهد، وظیفه خطبه است. با توجه به ذوق ادبی، ذوق شاعرانه و توانایی‌های بلاغی بسیار بالایی که داشت، خطبایی بسیار برجسته، بسیار جذاب و بسیار مؤثر در جمعیت بود. ایشان اهل قم هم هست. کتاب‌های متعدد و متنوع هم از آخرین فرصتی که در واقع برای ایشان

میثاتی سنتی و احتیاطات. گاهی این طور مطرح می‌شود که انگار ایشان شاید هیچ مرجعی چنین سطحی از ارتباط یعنی ارتباط مستقیم با مخاطب را نداشته باشد. نکته‌ای که باید اضافه کنم این است که بسیاری از آرای گروه‌های از آخرین دیدگاه‌های آقای فضل... استفتائات ایشان و موضوعات مختلف که فقط هم فقهی نبود، منتشر می‌شد. من هر وقت شماره جدید این جزوه‌ها



مراسم تشییع علامه فضل... در لبنان، ۱۳ تیرماه ۸۹

اسلامی منتشر شده است. آشنایی بسیاری از افراد با ایشان از طریق این کتاب‌هاست. مرجع که این مرجعیت، تشکیلاتی هم دارد. سابقه حزبی ایشان و کار تشکیلاتی که قبلا کرده بود و تشکیلاتی که حول انجام شده مصاحبه‌هایی بسیار چالشی است و معمولا ایشان از این مناظره‌ها و مصاحبه‌ها سرزند بیرون آمده. یعنی آماده بوده که مورد چالش قرار بگیرد. کسورهای خیلی فرسایشی و در خود لبنان با تحفظ در مورد حزب... افزایش داده بود. نکته دیگر، بحث محیط چند فرهنگی لبنان است. کسی که بخواید در آن محیط، وظیفه تبلیغی، دعوتی و دفاعی خود را از بریم تشییع و اسلام انجام دهد، وضعیت بسیار متفاوتی دارد با روحانی جلیل‌القدری که در قم و به اصطلاح در عین شیعه قرار دارد. علامه فضل... برای این‌که ظرفیت خود را در این زمینه نشان دهد، باید در این زمینه

دومین پایه این است که ممکن است سؤال‌کننده شیعه باشند، اما کسی که پاسخ‌ها را می‌شنود و می‌خواند همه جهان است. این مسئله، چالش بزرگ مبلغ و علامه فضل... بود. به‌عنوان یک مبلغ و داعی، فتوا می‌داد. به‌عنوان یک مبلغ و دعوتگر، تصور می‌کرد امروز باید تشییعی را ارائه کند که یک مسیحی معتقد هم وقتی آن بیانات را می‌شنود بگوید اهلا و سهلا این منطق دارد. پشت این مسئله یک عقلائی هست. دیگران اصلا مواجهه با چنین چالشی را ندارند، لذا خیلی راحت‌تر می‌توانند سخن بگویند. به تعبیری می‌توانند محفل‌تر و به اصطلاح فرقه‌ای‌تر صحبت کنند. اما اول باید به گونه‌ای سخنرانی می‌کرد که نه تنها مسلمانان یا مسیحیان بلکه اصولا بی‌دین‌ها را هم قانع کند. ایشان ستم‌شبهه شبها در طبقه پایین مسجدالحسین یک مجلس پرسش و پاسخ زنده داشت. هر کس حق داشت مستقیما از ایشان سؤال کند و او پاسخ می‌داد. مدتی شفاهی بود و مدتی کتبی بود. ولی به هر حال، جلسه حضوری بود. قضایی تقریبا به اندازه نصف حسینیه ارشد بود. خانمی از ایشان سؤال کرد در مورد زن دوم و این که چرا اسلام به مرد اجازه می‌دهد که همسر موقت بگیرد؟ آن کسی که من دیدم و سؤال کرد، حتی در جلسه مسجد الحسنین مجبوره نبود این مرد می‌خواهد این پاسخ را برای این جلسه بدهد. ایشان گفت آیا سؤال شما از منظر حقوق زنان است، یا منظر حقوق مردان؟ آن خانم گفت طبعی است که از منظر حقوق زنان است از بابت حقوق مردان که سؤال نمی‌کنم. او گفت: من از شما



دکتر محمد رضا زائری



یوسف میرزایی
رئیس مرکز تحقیقات تمدنی اسلام در بیروت

مردی از جنس جهاد

« سخن گفتن درباره شخصیتی همانند مرحوم علامه فضل... به چند جهت دستم کم برای من دشوار است.»

یکی این که او متجدد و نواندیش بود و سخن گفتن صادقانه و بی‌پایانه که این باب، همواره جالش انگیز و هزینه‌بر است؛ زیرا نواندیشان بزرگ در هر عصری با دو دسته از مردمان، دست و پنجه نرم می‌کنند: عبادی که خود را نگاهبان مطلق دین و اندیشه دینی می‌دانند و با هرگونه تجدید و نواندیشی در لوی حمایت از دین و دینداران به مبارزه می‌خورند و گاه در این راه از رسوا کردن و حیثیت‌بری طرف خود، هم ای‌نا نمی‌کنند. بسیاری این حامیان دین، هدف اول خاموش کردن خصم و از میان برداشتن اوست و بس روش‌ها و شگردهای این کار و هزینه‌های عرفی و شرعی‌ای هم برای آن صرف می‌شود، خود داستان مفصلی است که باید در جای دیگری گفته شود. دسته دوم مردمانی هستند که بی‌خبر و شعله‌ای درگیری‌ها را سوزنده کنند!

غرض این که ورود به این بحث، همواره دردسر ساز و هزینه‌بر است. زیرا با مبارزان سرسختی مواجه می‌شوی که برای تحقق هدف خود، در له کردن اغتیار و شخصیت طرف مقابل هیچ تردیدی نمی‌کنند. البته در این‌جا قصدم خدای ناکرده تعطفی کسی از بزرگان نیست. آنان با فهم و اجتهاد خویش در صدد مبارزه با بدعت هستند. مشکل اصلی هم در تشخیص مسأله‌های مبتدع‌هاست. زیرا فاصله اصول کفری و فکری دینی با تبحر و ارتجاع فکری و مسأله نواندیشی و اصلاح‌گرایی دینی با بدعت‌گذاری و تغییر در دین چنان دقیق و باریک می‌شود که امر بر طرفداران خود سوسفته می‌شود.

دوم این که، مرحوم علامه فضل... از این فضاها کاملاً متفاوت با اوضاع اجتماعی، فرهنگی و دینی شهر قم و نجف درست می‌کرد. او اگر چه مانند نهالی در حوزه نجف برآمده بود، اما بعدها بیشتر عمر خویش را



تا آن گاه که درختی تنومند و سایه گسترشده، در لبنان گذراند. بیادست که فضای آزاد لبنان هر صاحب‌اندیشه‌ای را به جالش می‌کشاند. اما مرحوم علامه راه نواندیشی می‌کشاند، این که با حال و هوای این کشور عجیب سازگار بود، گریز نکرده. گرچه نگرش انتقادی و تجددگرای او به اندیشه دینی سنتزانی‌اش به مناسبت همایش هزاره شیخ مفید در همین شهر قم، یعنی حدود ۲۰ سال قبل شنیدم. قم امروز با قم ۲۰ سال قبل تفاوت‌هایی بس سترگ و مبارک کرده است.

از این‌روز نگاه‌های بی‌لبنان و این که چهارراهی جهانی برای انعکاس خوب و بدهای اندیشه در سراسر جهان است. جای تردید نمی‌گذارم که علامه فضل... یکی از بزرگ‌ترین سدهای مواجهه بزرگ فکری با اندیشه‌های مخالف بود. فراموش نمی‌کنم که در شب حادثه یازدهم سپتامبر به همراه دو نفر از رفیقان لبنانی در دفترشان در باب موضوعی قرآنی مصاحبه‌ای می‌کردیم. بس خود به این مصاحبه‌های رسانه‌ای عادت دارد. بعد از دو هفته که از حادثه مذکور گذشت بود، در ملاقاتی که با ایشان داشت داده بود، سید می‌گوید تاکنون در این دو هفته برای تکرار اندیشه اسلام از حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر بیشتر از ۴۰۰ مصاحبه تلویزیونی داشته است. به هر حال او در خط مقدم دیده می‌شود و به اقتضای همان فضا هم اجتهاد می‌کرد.

احساس من این است که گاهی خود سید بدون توجه به دوری خصوم خود، این فضا اندیشه‌هایش را منتشر می‌کرد

و خصوم او هم بدون توجه به اقتضای طبیعی کسی که در لبنان اجتهاد می‌کند، بر او می‌ناهند. شاید اگر سید هم در کنار شهید صدر نبود و یا در لبنان و جبل عامل زندگی نمی‌کرد و مثلاً در شهر نجف بود و یا در قم ۲۰ سال قبل زندگی می‌کرد، عیناً همین حرف‌های مخالفان خود را می‌زد.

البته الان مجال برای یادآوری اندیشه سید که برای عدای از مجتهدان شیعه چالشی بزرگ به حساب می‌آمد نیست و مخاطب این نوشته کسانی هستند که از این ماجرای تلخ و تبعات منفی آن به‌خوبی آگاه هستند. شاید در فرصتی دیگر به نقطه نظرات اختلافی میان این دو مجموعه بپردازیم. ذکر این نکته را هم ضروری می‌دانم که اصل اختلاف میان عالمان دین نمتها بد نیست که مایه بارور شدن اندیشه و رشد و استحکام اجتهاد است. اما اگر به تضلیل و تفسیق متقابل بینجامد، دیگر اختلاف پسنده شده به حساب نمی‌آید و لازم است از تکرار آن جلوگیری شود.

علامه فضل... به شهادت عالمان و یارانش یک مرجع تقلید بود. مجتهد بود. با مقتضیات اندیشه دینی در جهان معاصر بیش از دیگران آشنا بود و حق داشت مانند هر عالم و مجتهد شیعی، برداشت خود را بدون ترس از تبعات آن بیان کند و توقع طبیعی او انصراف از این بود و هست که اگر علامه‌ای هم از این‌جا و آن‌جا اندیشه‌های مخالفانه، به جای توسل به تکفیر و تفسیق و تضلیل و تبسّخ‌های علمی و مستدل و اجتهادات متقابل خود را به همه برساند و اندیشه را با اندیشه پاسخ گویند؛ نه با تخریب شخصیت و گمراه دانستن مجتهدان دیگر! اختلاف اجتهاد هر قدر درشت و سترگ باشد، نباید مایه مواجهه مجتهدان و تقلیل خارج از چهارچوب‌های اجتهادی و ادب نقد و اختلاف باشد.

به هر حال، نقش سید در ارائه تفسیری انسانی و عقلانی از دین اسلام در جهان معاصر کم‌نظیر بی‌شاید بی‌تغییر بود. همچنین کاری که او در ظرف‌های نظام جمهوری اسلامی در میانه سنگین‌ترین هممه‌ها کرد و به سهمی که او در حمایت از مقاومت اسلامی لبنان داشت و دفاعی که از اسلام در خط مقدم مواجهه با کفر جهانی می‌کرد؛ از همه بیشتر است. او نشانی بی‌دیلی در دفاع از ارکان اسلام و نظام در جنت غرَب و بلکه کل جهان داشت که مناسفانه ملاحظا می‌شود در مدیریت نخبگان تا کام مانده و این حرفی است که بارها در نوشته‌ها و حرف‌ها از آن یاد کرده‌ام که باب سید هم کوه‌های بزرگی کرد که به ماندن علامه در یکی از ملاقات‌هایی که به مناسبت دیداری با امام‌العالی‌ای قم داشت، درش باز شد بود و می‌گفت: نظام جمهوری اسلامی که منافع از آن را به‌عنوان تکلیفی می‌شنی در رأس اولویت‌هایم قرار دادم، تاکنون تماشاگر آن تخریب من در قم است! و البته به‌منظرم حرف درست‌ای است.

امیدوارم در فرصتی بهتر و فراغ از این حرف‌های تلخ در باب اندیشه‌های سید، حرف‌های زده شود و نقد‌های عالمانه به میان آید. خدای او را بیامرزد! ■